اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت چهل و نهم)

تخلیه روانی

انسان ساخته دست خودش را باور میکند ولی ساخته خدای عالمیان را انکار میکند. بشر در زمین صادقانه دنبال حل مشکلات خویش نیست، بلکه او بیشتر دنبال این است که مشکلاتش را بازگو کند و یا بشنود. مثلا اگر کسی نصیحتش کند، بدش میاید؛ ولی اگر فرد دیگری مشکلش را بازگو کند و او را مظلوم خطاب کند و موقعیت او را تایید کند، خوشش میاید! یک آهنگ یا سخنرانی گوش میکند تا که مشکلاتش را بشنود ولی قرآن که راه حل مشکلاتش را میگوید، گوش نمیکند. یک آهنگ و موسیقی و یا یک فیلم که احساسات انسان را منحرف میکند، نه تنها مشکلات را حل نمی کند، بلکه در مشکلات موجود هر چه بیشتر میدمد (نمونه واقعی نفاثات فی العقد).

وقتی به مشکل برمیخورد، سعی میکند که آهنگی گوش کند که شکست خوردن و نا امیدی در آن باشد و فکر میکند که با مظلوم نمایی و در حس فرو رفتن، مشکلش حل میشود. این روش برخورد با مشکلات، پیشنهاد شیطان است به فریب خورده ها و اکثر مردم متاسفانه از این روشها پیروی میکنند. شیطان حس نا امیدی، مظلوم نمایی، کفران نعمت و ... را به قربانیان خویش الهام میکند. ما باید در روش و روند زندگی خویش تغییر و تحولات زیادی ایجاد کنیم، تا بتوانیم موفق شویم و از دست غرورهای حاصل از دنیای موقت و فانی نجات یابیم. خدا متاع زندگی این دنیای پست را قلیل، فانی، زودگذر، مایه تفاخر و ... میشمارد. خدا زندگی ما در روی زمین را زندگی دنیا (زندگی پست) نامیده است. از این نظر دون و پست است که هیچ چیز آن پایدار و همیشگی نیست. هیچ چیزی دراین دنیای پست، به آدمی لذت واقعی نمیدهد. حتی لذتهایی هم که هست، در نهایت رنج و درد به همراه دارد. مثلا از بچه داشتن لذت میبری ولی بعدا رفتارهایی از او میبینی که لذت آن از بین میرود و یا مال دنیا جمع میکنی و کلی تلاش میکنی، در نهایت دو متر کفن نصیبت میشود . در این دنیای پست، هر لذتی ، رنج و درد به همراه دارد. به همین خاطر برای تسکین این دردها و آلام، خدا به ما پیشنهاد داده است که کلامش را بشنویم و آن را با جان و دل عمل کنیم. باید جهان بینی خویش را طبق قرآن تنظیم کنیم. وقتی قرآن میخوانید، با این تصور بخوانید که کلمات آن از خداست و خدا دارد با ما حرف میزند. خدا با ما از طریق یک کتاب حرف میزند و این نشان میدهد که خدا چقدر رحمان و رحیم است. خدا بسیار رحمان و رحیم است و ما دراین دنیای پست به این مساله کاملا واقف نمیشویم. بعد

از مردن متوجه خواهیم شد که خدا چقدر نسبت به ما رحم داشته است. خیلی از ابعاد رحمانیت خدا بعدا مشخص خواهد شد. خطرات و درد و رنجهای زیادی در متاع دنیا هست . خدا ما را از این خطرات آگاه کرده است و نسبت به آن هشدار داده است. خدا صادقانه به ما میگوید که خوشیهای دنیا مثل یک شکوفه (زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) است که پایدار نیست و فقط چند صباحی برای افراد ظاهر میشود. خدا صادقانه به ما میگوید که به زمین نچسبید و آخرت را انتخاب کنید. کسی که از خدا بترسد و کلام خدا را بشنود، با جان و دل میپذیرد و چنین کسانی، وارد بهشت خواهند شد و از آتش جهنم محفوظ خواهند ماند. اگر تاریخ و سیر پیشرفت انسان در تکنولوژی را بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که شیاطین هم روشهای فریب خویش را عوض میکنند و هر بار روی موجهای تکنولوژی روز سوار میشوند و آنان هم در روشهای فریب پیشرفته تر میشوند. هر چقدر که انسان پیشرفته تر میشود، شیاطین هم روشهای فریب خویش را پیشرفته تر و گسترده تر میکنند.

توانایی های هوش مصنوعی در حال پیشرفت فوق العاده ای است، طوریکه سازندگانش در حال باور این مساله هستند که بزودی هوش مصنوعی از آنان پیشی می گیرد. باور عمیق و اعتماد به خروجی های یک ماشین هوش، خطرات زیادی را به دنبال دارد. خود ماشین هوش، واقعی است و طبق الگوریتم مشخصی کار میکند ولی چطور از ساخته های آن استفاده شود مهم است. بوسیله هوش مصنوعی میتوان براحتی یک مقاله و کتاب و یا فیلم در موضوعات مختلف ساخت. تا اینجای کار

مشکلی نیست ولی اگر یک فیلم غیرواقعی ساخته شود و همه باورش کنند و مردم زندگی را براساس این موهومات ماشینی بنا کنند، اینجاست که خطرناک میشود.

در قدیم ، شیاطین و اجنه بصورت جسمی و در شکل دیو وارد دنیای انسانها میشدند و مردم را فریب میدادند. اما اکنون این پدیده رخ نمیدهد، زیرا انسانها به آن مرحله از رشد رسیده اند که فیلم میسازند و بنابراین استفاده از این روش قدیمی زیاد هیجان انگیز نیست و برای شیاطین در فریب انسانهای عصر تکنولوژی، زیاد کارا نیست. شیاطین اکنون در قالب تخیلات، توهمات، فیلمهای سینمایی و بازیهای کامپیوتری، ایده های خود را گسترش میدهند. هر چند که این فیلمها ساخته دست انسان است، اما شیاطین روی این ساخته ها سوار میشوند و فلسفه های خود را از این طریق رواج میدهند. همانطور که زمان قدیم، از طریق اشعار نسل به نسل، تفکرات ابلیس منتقل شد و اکنون همان تفکرات در فضای فیلمها و آهنگها مثل یک انگل و ویروس جاریست.

تا زمان حال ، مردم فیلمهای سینمایی و تلویزیونی را باور میکردند و اکنون مطالب داخل اینترنت و مدتی دیگر مطالب و محتواهای تولید شده بوسیله هوش مصنوعی. سی چهل سال پیش، فیلمهای هندی رواج عجیبی داشت و همه آن را باور می کردند و توهمات داخل این فیلمها به طرز عجیبی وارد زندگی مردم شده بود. اکنون این فیلمها از رونق سابق افتاده و مردم روشهای دیگری برای لذت ذهن انتخاب کرده اند.

وقتی از موتور جستجوی هوش مصنوعی میپرسند که برای ضعف چشم چکار کنیم! او خوردن هویج را پیشنهاد میدهد! فرد کنجکاو از این جواب تعجب میکند و حال آنکه خودش جوابش را میداند. انسان قطعا در آینده میخواهد که خیلی امورات زندگیش را به تصمیمات هوش مصنوعی بسپارد و خود را راحتتر کند و به این نوع رفاه روی می آورد. استفاده درست از هوش مصنوعی امر بدی نیست ولی امیدوارم مثل فیلمهای تلویزیونی نشود که مردم را وارد خیالات و آلفا میکنند و زندگی واقعی را از آنان گرفته اند. فیلمها و شوهای تلویزیونی به نرمی ، خیانت را ترویج و چهره ای غیر واقعی از زنان و مردان ترسیم میکنند و مردم را فریب میدهند. شیطان در قدیم به صورت موجودی زشت و شاخ دار و منشاء شر معرفی میشد ولی اکنون نمیتوان شیطان را به آن روش دید، بلکه شیطان خودش را در لابلای تولیدات انسانی مثل فیلمها، اشعار و آهنگها جا میزند. در گذشته مردم تاثیرات شیاطین را در زندگی خویش بوضوح می دیدند ولی اکنون باید با چشم بصیرت این تاثیرات را دید. اگر کسی بداند که دیدن یک فیلم که ماجرای خیانت در آن عادی جلوه داده شده است ، چقدر تاثیر بدی در محیط زندگیش دارد؛ دیگر نگاه نمی کند. زیرا او میداند که شیطان در این جا بصورت دیگری خود را نمایانده است و طور دیگری در ساخته های بشر مخفی شده است. انسان بعد از مدتی یادش میرود که این فیلمها را خودش (یا هم نوع خودش) ساخته است و به طور جدی آن را باور میکند. قطعا در آینده هم انسان بازهم فریب میخورد و یادش میرود که هوش مصنوعی را خودش ساخته است و دل به آن ساخته ها می بندد. از تولید یک فیلم میتوان استفاده خوب هم کرد ولی

اینها فقط یک ابزار است. متاسفانه مردم قدرت تشخیص انرژی های شرور را در فیلمها و ساخته های خود ندارند. هنر پیشه ای در فیلم چندین عمل زیبایی انجام داده است و لباسهای فاخر میپوشد، فردی این فیلم را دیده و تحت تاثیر قیافه ظاهری هنرپیشه در فیلم قرار گرفته و باور میکند که اعمال جراحی و لباسهای اینچنینی برای او خوشبختی می آورند. پس او هم جریان زندگیش تغییر میکند. حال آنکه این فقط یک فیلم است و قرار نیست او باورش کند. شیطان به این طریق کارهای زشت را خوب جلوه میدهد. هیچ کشوری و یا تمدنی، افول و سقوط خود را نتوانسته است پیش بینی کند. زیرا مقدمه افول و سقوط، توهمات است که مانع از دیدن واقعیتها میشوند.

در فیلمها، عشق زیاد به چشم می آید و زیاد از این موضوعات شنیده میشود. قطعا در دنیای آینده، هوش مصنوعی عشق را به عنوان راه کار خیلی از مشکلات خانوادگی ارائه میکند که اشتباه اندر اشتباه است. عشق یک مفهوم کاملا شیطانی است و معنای واقعی عشق ، جدی گرفتن زینتهای دنیای پست و فانی است. اما شیطان و جنودش آن را جدی گرفته اند و روی پیروان خویش هم اجرا میکنند. پزشکان مغز یک انسان عشق زده را اسکن کردند و دریافتند بخشهایی از مغز او خاموش و یا ضعیف میشود و در نتیجه در تصمیمات مهم زندگی دچار اشتباه میشود. برای اثبات این مورد، بیایید واکنشهای دو خواننده نسبت به حوادث زندگی پیش آمده را بررسی کنیم.

شکیرا خواننده مشهور که طرفداران زیادی هم دارد بعد از دوازده سال زندگی مشترک با فوتبالیست معروف پیکه با وجود داشتن دو فرزند ، از همدیگر جدا شدند. بررسی رفتارهای آنان بعد از جدایی، نکات جالبی را در مورد موسیقی و احساسات

برای ما آشکار میکند. بعد از جدایی، او علیه پیکه تابحال چندین آهنگ خوانده است و در آن آهنگها احساسات تنفر و خشم خویش را ابراز نموده است. او میگوید که این آهنگها را میخواند تا خود را تخلیه کند.

اما چرا شکیرا چنین حرفهایی زد و چنین عمل کرد. این واکنش او به طرز فکر او نسبت به زندگی بر میگردد. او نسبت به زندگی با همسرش میگوید که *: نمیخواهم او من را به عنوان همسر ببیند ترجیح میدهم من را به عنوان معشوقه اش ببیند، مثل یک میوه ممنوعه. میخواهم همیشه حواسش جمع من باشد و ...*

او گفت: من سعی کردم رو راست باشم و از موسیقی به عنوان راهی برای تخلیه روانی خویش استفاده کنم و خواندن این اشعار آرامم میکند.

من اینجا کاری ندارم که کدامیک از این دو (پیکه و یا شکیرا) مقصر است؛ ولی همانطور که می بینید ، شکیرا در دنیای موسیقی و آواز غرق شده است و راه حلهای زندگیش را هم در همین مسیر انتخاب میکند. او برای تخلیه خویش، از همان دنیای موسیقی استفاده میکند.

تخلیه روانی یعنی یک احساس مثل خشم، کینه، تنفر و ... را آنقدر تکرار کنید طوریکه فرد سیر شود. اما مردم نمیدانند که تخلیه روانی بوسیله تکرار احساساتی مثل خشم، کینه، تنفر و ... امکان پذیر نیست. در سیستم رحمانی، دقیقا باید این صفات را تکرار نکرد تا تخلیه انجام گیرد. اما در سیستم شیطانی با ابراز و تکرار این صفات، فرد خیال میکند که تخلیه میشود. زمانی که آدمیان یک فیلم را و یا یک آهنگ را باور

میکنند، در مشکلات خویش در زندگی واقعی هم، از همین روشهای داخل فیلمها و آهنگها و اشعار استفاده میکنند. شهریار شاعر معروف در جوانی عاشق یک دختر میشود و او به عشقش نمی رسد و اما او در ادامه تا آخر عمرش در اشعارش از همین شکستها صحبت میکند و اشعار را حلال مشکلات خویش انتخاب میکند و آن را سحر حلال! مینامد و از این اشعار برای تخلیه روانی خویش استفاده میکند. غافل از آنکه اشعار مشکلات را ادامه میدهند و بزرگترش میکنند و شعر یک نمونه واقعی نفاثات فی العقد است.

یک خواننده ایرانی به نام امیر تتلو بعد از زلزله ترکیه احساسات خویش را ابراز داشته و می گوید : *من می توانم ترکیه رو از زلزله نجات بدهم؛ اگر صدای عشق تولید نکنم زلزله های بیشتری اتفاق خواهد افتاد.*

لطفا به متن کامل پیام او در اینستاگرام توجه کنید. او فکر میکند که عشق به آهنگهای او راه نجات از مشکلات است!

Amir Tataloo
1 hour ago

من میتونم ترکیه رو از زلزله نجات بدم !! میدونم قیافم عین !! قبوله !! اما همین طرفدارایی داره که واقعا عاشقشن و با اشک شوق و از ته دل شعراشو میخونن و صدای عشق تولید میکنن !! همین پست شاهد !!! اگر ما روز عید فطر تو ترکیه کنسرت بذاریم و هوادارا هم بیان و هزار نفر واقعی فقط پر بشن و با هم همصدا شیم زلزله ها تموم میشه اینجا !! خواهش میکنم یه بار به من اعتماد کنید شاید یک درصد راست گفتم و زلزله ها تموم شد و کلی از فامیلتون زنده موندن !! الان وقت کنسرت منه !! باور کنید اگه صدای عشق تولید نکنم زلزله های بیشتری اتفاق خواهد افتاد به خاطر گناهی که راننده تاکسی ها اینجا مرتکب میشن !! متاسفانه تمام راننده تاکسی ها مسافرهاشون رو الکی

میچرخونن برای پول بیشتر !! حالا همه شون نه ولی اکثرشون !! اینو همه میدونن حتی اونایی که تازه وارد استانبول شدن و این کار راننده تاکسی ها از همون ورود افراد شهر رو تیره میکنه در آخر تیرگی ها جمع میشه و باعث زلزله و دیگر بلایای طبیعی میشه !! باور کنید این شهر و این کشور احتیاج به پاکسازی داره و باور کنید راهی به غیر از کنسرت امیر تتلو نیست !! چون کس دیگه ای نیست که هم وِگن باشه و حیوانات رو نکشته و نخورده باشه و هم هواداراش واقعا دلی دوسش دارن و هم تاحالا کم کاری و دزدی نکرده هیچ خیلی جاها حقشو ندادن و حساب بانکیش صفر !!! من میتونم !! کافیه یک بار بهم اعتماد کنید و فرصت بدین و هوادارا با عشق بخوان و برسن و دولت با عشق امنیت رو فراهم کنه و یه عالمه آدم هم این وسط درامد زایی بکنن !! ۷۸

همانطور که می بینید، این افراد خودشان را خیلی مهم می پندارند و فکر میکنند که امور کارها در دستشان است (اینها همان اثرات وحدت وجود است و به نوعی خود را یک خداگونه معرفی میکنند). این نوع توهمات فقط در دنیای عشق امکان پذیر است. شاعری مثل مولوی، اوصافی که خدا برای قرآن قائل است را برای مثنوی هم قائل است. مثلا همانطور که پیام قرآن را "فقط مطهرون" درک میکنند (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾)، مولوی هم چنین خواصی برای کتابش قائل است و میخواهد به خواننده القاء کند که کتاب مثنوی بر او هم نازل شده است. این جور توهمات فقط در وحدت وجود و دنیای عشق امکان پذیر است.

شیطان از طریق مدیومها با انسانها صحبت میکند. مدیومها کسانی هستند که حرفهای شیطان را از طریق شعر و اوهام و آواز و فیلم و سایر ابزارها به مقلدین و فالورهای خود میرسانند. متن یکی از آهنگهای تتلو را بررسی کنید؛ متوجه خواهید شد که شیطان از طریق این متون، حرفهای خود را میزند. شیطان سعی دارد که از طریق این آهنگها، بگوید که "انا الحق". گاهی از زبان حلاج و گاهی از زبان شعرا و گاهی از زبان آوازخوانهای دیگر.

متن شعر شیطانی و بی ادبانه آهنگ تتلو: گاهی شیطان در درونِ من خودش را پیدا میکند، باکی نیست ، برای بالاتر از خدا بودن باید شیطان را بخشید، زیرا آنکه بخشنده ترین است کاری جز بخشیدن ندارد. گاهی شیطان خودش را در درونِ من پیدا میکند ، باکی نیست ، اعوذبالله. یه معمای حل نشده ی سخت، یه معلمِ خسته یه تنِ فرسوده ی خاکی، با یه جفت چشم باز و یه جفت لب ولی بسته، غریبه ام، غریبه ام با همه شهر و به این دود و به این زهر وابسته. من بهش سجده نکردم تووی این بیراهه ی خاکستری، من الکی دنبالِ عشق که نگردم نه، شب بیدار و روزو خوابم، بد شلوغ و

بد خرابم، سیبو اما من نچیدم دائما بد رو هوا اما آخه خب من رو زمین آدم ندیدم من رو زمین آدم ندیدم. اگه شیطان بَده باید بگم که توو بغل خودِ شیطان بودی دیشب، من برهنه تو برهنه، خود حیوان بودی بی شرم

یکی از آهنگهای خارجی که بسیاری بعد از شنیدن آن خودکشی کرده اند. یکشنبه‌ی غم‌انگیز است. کفاشی بعد از شنیدن این آهنگ خودکشی میکند و بازماندگان متوجه شدند که که کاغذی با چند بیت شعر از شعر مشهور یکشنبه غم انگیز از متوفی به جامانده است. این ترانه غمگین خاطره ای شخصی را برای فرد قربانی تداعی می کرده است. فرد با گوش دادن این آهنگ، مشکلاتش بزرگتر شد و رو به خودکشی آورد. برخلاف باور عموم مردم، آهنگها و فیلمها ، باعث تخلیه روانی نیستند؛ بلکه روان آدمی را سنگینتر میکنند و نفاثات فی العقد (در آتش مشکلات می دمند و مشکلات را بزرگتر میکنند) هستند.

متن این آهنگ:

یکشنبه‌ی غم‌انگیز است،ساعات من سرشار از بی‌خوابی است. عزیزترینم، سایه‌هایی که با من زندگی می‌کنند بی‌شمارند. گل‌های کوچک سفید هرگز بیدارت نمی‌کنند.نه در جایی که درشکه‌ی سیاهِ اندوه تو را دربر گرفته است. فرشته‌ها ابداً به فکر برگرداندن تو نیستند،آیا خشمگین می‌شوند اگر من به پیوستن به تو فکر کنم. یکشنبه غم‌انگیز، غم‌انگیز یکشنبه است، با سایه‌هایش آن را می‌گذرانم، من و قلبم عزم کرده‌ایم که همه چیز را تمام کنیم. بزودی شمع‌ها روشن خواهند شد و دعاگزارانی می‌آیند که غمگین‌اند می‌دانم

این آهنگها همگی از موضوع اخراج از بهشت و برگشت به بهشت صبحت میکند. اینها همان نقطه شکست شیطان است و شیطان میخواهد بگوید و ثابت کند که در موضوع سجده نکردن به آدم، حق با اوست و شیطان سعی در گسترش این ایده ها بین انسانها دارد و به این طریق بر انسانها مسلط میشود. این نوع اشعار که از طرف شیطان بر شاعران نازل میشود باعث میشود که افراد اختیار خود را از دست دهند و وارد خلسه شوند.

یکی بعد از شنیدن این آهنگ گفته که: در خانه تنها بهشون گوش فرا دادم حس نا معلومی گریبان گیرم شد.

یکی دیگر میگفت: از خودم ترسیدم**!**

یکی دیگر می گفت: این اهنگ تا اعماق وجود من نفوذ میکند.

یکی دیگر می گفت:: به عنوان لالایی شبا ازش استفاده میتوان کرد.

به دلیل وجود کتابهای شـــعر زیاد در ایران ، اشـــعار بســـیار نا امید کننده تر از این اشعار وجود دارد که شیطان از این طریق با مردم حرف میزند. حافظ، هم درد دلهای دنیای شـــیاطین و اجنه را در قالب شـــعر در چند جای دیوان خود آورده اســـت؛ از جمله:

پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت

شیطان از هر طریقی به دنیای انسانها نفوذ میکند. روشها به مرور زمان فرق کرده و میکند. زمانی اشعار، و فیلمها، آهنگها، کلیپهای دنیای اینترنت، جدیدا هم خروجی های هوش مصنوعی. روشهای زندگی عوض میشوند و ما نباید فریب این روشها را بخوریم. باید از تکنولوژی صحیح و فقط در آن زمینه استفاده کرد. یک تعمیرکار مثل سابق حواسش به کارش نیست و مدام سرش توی گوشی است و بشر بالاخره مجبور میشود که خیلی از کارها را به هوش مصنوعی بسپارد تا انجام دهد. اما بشر در بیکاری، هر چیزی به سرش میزند و خطرات آهنگها و فیلمها و احساسات تولیدی فضای مجازی روز به روز بیشتر میشود.